



# توسعه ابعاد اندازه‌گیری‌های ثروت ملی

می‌آورند. اما نوعی نگرانی و بیم در نگهداری چنین دارایی‌هایی دیده می‌شود و محسوس است و آنهم طبعاً از نگرانی یا بیم در نگهداری و حفظ آنها در آینده نشأت می‌گیرد. از این رو ثروت ملی به معنی وسیع خود در موضوع مهم و حیاتی حفظ زندگی و سطح معیشت بهتر و پیشرفته‌تر بسیار اساسی و دارای اهمیت است.

اما برخی از اجزا و عناصر ثروت ملی به اصطلاح هم سهل و هم ممتنعند. بدین معنی که به نحو شگفت‌آوری هم اینکه همیشه ضروری و لازمند و هم در عین حال به لحاظ ارزیابی ارزشهای اقتصادی و اندازه‌گیری‌های خود بسیار دشوار هستند. نقش یا وظیفه پشتیبانی معیشت و زندگی از جمله وظایف بسیار مهم و حیاتی است که برای این سرمایه طبیعی می‌توان در نظر گرفت. اینک اقتصاددانان زیست‌محیطی به جمع‌آوری اطلاعات فراوانتری درباره

پژوهش و تحقیق می‌شود، بلکه درباره چگونگی نگهداری و حفاظت از این ثروت نیز به کوشش پرداخته‌اند. پرسشهای مربوط به نگهداری و حفظ ثروت ملی مستقیماً به سیاست و رویکرد مدیریت منابع طبیعی و راههای استفاده از روشهایی چون اجاره و استجاره این منابع در راه تامین وجوه و اعتبارات لازم برای توسعه پایدار ملی باز می‌گردد.

در تعریف توسعه پایدار<sup>۲</sup> ما تاکنون هیچ کم و کاستی نداشته‌ایم. ساده‌ترین تعریف آن است که آن را ارتقا و بهبود کیفی در سطح زندگی افراد انسانها بدانیم که به مرور زمان هم دچار نقصان و کاهش نمی‌شود. از این دیدگاه، طبعاً اقتصاددانان توسعه آن را به مجموعه‌ای از دارایی‌های عینی تعبیر می‌کنند (اعم از دارایی‌ها یا ثروتهای طبیعی و غیرطبیعی که ساخته دست بشرند) که اسباب رفاه و معیشت خوبی برای وی پدید

در محاسبه ثروت ملی می‌توان ابعاد گسترده‌تری را در نظر گرفت که شامل منابع طبیعی و منابع انسانی نیز باشد. چنین رویکردی در هدایت و راهبرد سیاستهای ملی توسعه پایدار بسیار موثر قرار می‌گیرد. منابع طبیعی البته ارزش فراوان دارند، اما منابع انسانی بیش از آنها ارزشمندند. این آموزه‌ای از تعالیم آدام اسمیت (Adam Smith) است و هنگامی به دست آمد که وی ۲۲۰ سال قبل کتاب معروف خود بنام تحقیق در ماهیت و اسباب ثروت ملل را نوشت و برای ما به یادگار گذاشت. پیام آدام اسمیت اخیراً از طرف بانک جهانی موضوع تحقیقی قرار گرفته و در نشریه‌ای موسوم به نگاهی به پیشرفتهای پیرامون تحت عنوان ابعادی نو در سنجش ثروت در حال تنظیم است. پرسشی که برای آدام اسمیت مطرح شده بود اینک بازتاب نوینی یافته است. هم اکنون نه فقط درباره ماهیت ثروت ملی

جدول شماره ۱- سرانه ثروت و عناصر تشکیل دهنده آن در مناطق مختلف جهان - سال ۱۹۹۴ میلادی

نواحی	مبلغ سرانه به دلار آمریکا			سرمایه طبیعی به درصد		
	جمع ثروت	منابع انسانی	دارایی ساخته شده	سرمایه طبیعی	زمین کشاورزی	جنگلها و مناطق حفاظت شده
شمال آمریکا	۲۲۷۸۹۲	۲۲۷۸۹۲	۶۱۹۵۲	۱۵۲۲۹	۵۲	۲۵
حوزه اقیانوس آرام	۲۰۲۳۸۹	۲۰۵۱۵۶	۸۹۷۸۶	۷۲۲۷	۶۲	۲۲
غرب اروپا	۲۲۶۱۶۴	۱۷۵۵۷۰	۵۲۹۹۰	۵۶۰۲	۶۸	۲۲
خاورمیانه	۱۴۶۲۲۲	۵۵۸۹۸	۲۷۲۰۴	۶۲۰۲۱	۱۱	۱
جنوب آمریکا	۹۲۰۸۶	۶۹۵۲۸	۱۵۸۷۲	۸۶۶۶	۵۲	۲۲
شرق اروپا و مرکز آسیا	۶۲۵۰۰	۳۰۵۳۰	۲۲۲۵۶	۹۷۱۴	۵۰	۱۲
شمال آفریقا	۵۴۱۸۵	۲۷۰۳۴	۱۴۲۲۸	۲۸۰۲	۲۷	۲
آمریکای مرکزی	۵۱۶۱۲	۴۰۶۲۸	۷۸۰۱	۲۱۸۲	۷۷	۲۲
حوزه دریای کارائیب	۴۷۳۲۸	۲۲۲۲۹	۹۸۶۲	۵۰۲۶	۸۳	۵
شرق آسیا	۴۶۰۷۶	۲۵۲۰۷	۷۲۲۰	۲۶۳۹	۷۸	۹
شرق و جنوب آفریقا	۲۹۸۶۲	۱۹۵۲۶	۷۲۲۵	۲۹۹۲	۶۵	۲۲
غرب آفریقا	۲۲۰۲۶	۱۲۲۳۱	۴۰۹۷	۲۷۰۸	۷۵	۱۰
جنوب آسیا	۲۱۷۰۴	۱۲۹۵۹	۴۱۲۳	۲۶۲۲	۹۰	۴

\* کشورهای عضو سازمان اقتصادی و همکاری برای توسعه OECD در حوزه اقیانوس آرام عبارتند از: ژاپن، استرالیا، زلاندنو. صورت کامل کشورهای مذکور در جدول صفحه ۸ ماهنامه حسابدار اسفندماه ۷۵ شماره ۱۱۸ منعکس است.

نمونه یا الگویی نوین و البته بهتر برای پیشرفت اقتصادی ارائه و مطرح شود. یعنی هدفها و آماج پیشرفت به کمک زیرمجموعه‌ای از کارگزاریهای مدیریتی مختلف برآورده می‌شد که در این مجموعه، بخشهایی چون منابع طبیعی، داراییهای ساخته شده در نظر گرفته می‌شد. در این الگوی بهینه، حفظ تعادل میان بخشهای گوناگون در مجموع و در نهایت به مهمترین عوامل سیاست و خطمشی اقتصادی مطلوب در کشورهای در حال پیشرفت تبدیل شده است.

#### الگوهای منطقه‌ای ثروت

در جدول شماره ۱، برآوردهای اولیه به نقل از دومین شماره همان نشریه، جمع ثروت ملی و اجزای آن در کشورهایی از ۱۳

با توجه به مطالبی که به عنوان جعبه ابزار حسابدار ثروت ملی در دنباله این مقاله خواهد آمد، روش ارزشیابی جمع ارقام ثروت ملی به روش پایین به بالا<sup>۲</sup> در مورد زمین کشاورزی، جنگل، مناطق حمایت شده، معادن و سوخت فسیلی، دارایی ساخته شده و اراضی شهری و روش بالا به پایین<sup>۴</sup> در مورد نیروی انسانی بازگو خواهد شد. از ابتدا بسیار مهم است تاکید شود منابع انسانی خود شامل سه جزء یا عنصر کارگران بی مهارت، سرمایه انسانی و سرانجام سرمایه اجتماعی است.

با انتشار شماره اول نشریه نگاهی به پیشرفتهای پیرامون با عنوان گزارش پیشرفت کار از بانک جهانی (۱۹۹۵) بر ضرورت گسترش ابعاد اندازه گیریهای ثروت ملی، تاکید بیشتری شد و نیز پیشنهاد شد که

چگونگی ارزیابی زیانهای بسیار زیادی که بر سرمایه‌های طبیعی و بسیار مهم وارد می‌شود می‌پردازند. اما این مسئله بدین معنی هم نیست که این قبیل سرمایه‌های طبیعی اکنون به طور کامل به صورت اقلامی از ترازنامه یا حسابهای ثروت ملی درآمده باشند. بنابراین آنچه می‌توان نتیجه گرفت این است که ما باید کاملاً توجه خود را به ارزشیابی عملی و کاربردی از ثروت‌های طبیعی معطوف کنیم. البته این کار آن طور که در ابتدا به نظر می‌رسد، کار سهل و ساده‌ای نیست. زیرا باید کوشید بهای هزینه فرصتهای از دست رفته را نیز به حساب آورد و ارزشیابی کرد. برای مثال عناصر مهمی از سرمایه طبیعی همچون منافع حاصل از جنگلهای غیرچوبی یا مناطق حمایت شده را می‌توان یاد کرد.

ناحیه در جهان انتخاب و مقایسه شده است، که نه فقط تفاوت‌های ساختاری چشمگیری بین خود نواحی به لحاظ ثروت نشان می‌دهد، بلکه تفاوت‌هایی بین اجزای تشکیل‌دهنده ثروت ملی نیز دیده می‌شود. **جمع ثروت** - شامل منابع انسانی، سرمایه طبیعی و دارایی‌های ساخته شده به سرانه‌هایی گوناگون از فقیرترین نواحی جهان؛ ۲۲ هزار دلار سرانه برای کشورهای در جنوب آسیا و در غرب آفریقا، تا به بیش از ۳۲۵ هزار دلار سرانه، برای کشورهای آمریکای شمالی، به تفاوت در جدول شماره ۱ دیده می‌شود. اگر از نواحی ثروتمند (یعنی کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و نیز کشورهای نفتخیز صادرکننده نفت خاورمیانه) صرف نظر شود، دیگر نواحی دنیا که اکثریت جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، سرانه آنها تا چهار برابر یعنی از ۲۲ هزار تا ۹۴ هزار دلار ثروت ملی نوسان و تفاوت دارند.

در برآورد ثروت ملی چه چیزی این تفاوت چشمگیر، بویژه بین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه از یکسو و سایر کشورهای دنیا را از سوی دیگر سبب شده است؟ پاسخ آن است که منابع انسانی با مهارت و نقش آنها در ایجاد و در تحول ثروت ملی عمدتاً سبب این تفاوت چشمگیر شناخته می‌شوند. برای مثال سرمایه طبیعی بین کشورهای ثروتمند و فقیر کمترین دامنه مغایرت یا نوسان را داشته است که چنانچه به زبان دلار بیان گردد، پنج به یک است (البته به استثنای کشورهای نفتخیز خاورمیانه). در واقع عموم نواحی؛ با سرانه‌ای بین ۳ تا ۱۰ هزار دلار از فقیرترین تا غنیترین کشورها، ۱ به ۳ در ارزش سرمایه طبیعی خود تفاوت

داشته‌اند. اما در نقطه مقابل، دامنه نوسان در خصوص دارایی‌های ساخته شده، حداقل و حداکثر بین ۱ تا ۲۲ است و در مورد منابع انسانی حداقل و حداکثر بین ۱ و ۱۹ است. در اینجا مسئله مهمی نهفته است. یعنی اینکه؛ سرمایه طبیعی یا زیربنای تمامی چرخه زندگی بشر دچار توزیعی بسیار ناعادلانه و نابرابر نسبت به بقیه اشکال سرمایه است. آنچه در این موضوع مهم است، چگونگی اداره این قبیل منابع حیاتی است و اینکه آیا درآمدهای حاصل از موقوفات سرمایه‌های طبیعی مصرف سرمایه‌گذارهای مجدد می‌شود یا خیر و به‌طور کلی در راه هزینه‌های جاری خارج می‌شود؟

به عنوان نتیجه‌گیری کلی و بر پایه اطلاعات منعکس در جدول شماره ۱، می‌توان با اطمینان اظهار کرد، که مناطق ثروتمند به لحاظ منابع انسانی و نیز به لحاظ دارایی‌های ساخته شده می‌کوشند خود را باز هم غنیتر کنند. از سوی دیگر در سراسر جهان نوعی ثبات و وقفه در بخش سرمایه طبیعی نسبت به کل ثروت ملی دیده می‌شود. در اینجا دو نکته در خور توجه اما نه چندان دور از انتظار دیده می‌شود. یکی آنکه ارزش بیشتر سرمایه طبیعی در کشورهای خاورمیانه به لحاظ داشتن ذخایر نفتی آنهاست و دیگر آنکه ارزش بیشتر دارایی‌های ساخته شده در کشورهای عضو

## منابع انسانی را می‌توان به کمک سرمایه‌گذاری در امر آموزش عالی تقویت کرد و پدید آورد.

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه واقع در حوزه اقیانوس آرام، عمدتاً به دلیل حجم بسیار زیاد سرمایه‌های ژاپنی و تا اندازه‌ای هم به لحاظ سهم دو کشور استرالیا و زلاندنو از سرمایه‌های طبیعی است.

سرمایه طبیعی در کشورهای غنی بر حسب دلار سرانه بیشتری را نشان می‌دهد. اما به نسبت ثروت ملی در همین کشورها درصد کمتری دارد. این به دلیل اهمیت نسبتاً بیشتر نیروی انسانی و نیز دارایی‌های ساخته شده آنهاست. نواحی غرب اروپا و غرب آفریقا اگرچه دوری یک سکه‌اند لیکن به دلار هر دو تقریباً به لحاظ سرمایه طبیعی دارای سرانه‌ای نزدیک به هم هستند. به این معنی که هر دو کم و بیش دارای حدود ۵۰۰۰ دلار سرانه سرمایه طبیعی هستند. اما در واقع این کجا و آن کجا! چون رقم مربوط به ناحیه غرب آفریقا ۲۰ درصد از ثروت ملی آن و برای غرب اروپا فقط ۲ درصد از ثروت ملی را تشکیل می‌دهند.

سرمایه طبیعی از نظر ترکیب، وضع آشکارتری را نشان می‌دهد. یعنی؛ کشاورزی (زمینهای کشاورزی و مراتع) از ۵۰ تا ۹۰ درصد جمع ارزش کل سرمایه طبیعی را تشکیل می‌دهند. البته به استثنای کشورهای خاورمیانه، صرف نظر از این گروه، ارزش معادن و کانیها و سوخت فسیلی بین ۵ تا ۲۵ درصد کل سرمایه طبیعی و جنگلها و مناطق حمایت شده بقیه آن را تشکیل می‌دهند.

واضح است در اکثر کشورها سرمایه طبیعی و منابع ارضی دارای اهمیت بسزایی است. اما در کشورهای فقیر، رشد ثروت ملی به استفاده از فرآورده‌های حاصل از اراضی و همچنین میزان اجاره بهای مبنه در استحصال و استخراج منابع طبیعی بستگی

تام و تمام دارد. انعکاس چنین استفاده‌ای در رشد و افزایش داراییهای ساخته شده و منابع انسانی هم دیده می‌شود. هم داراییهای ساخته شده و هم سرمایه انسانی<sup>۵</sup> (اصطلاحی است برای نیروی کار متخصص - مترجم) را می‌توان فقط در سایه تصمیمگیریهای کاملاً آگاهانه و از روی قصد و اراده پدید آورد. چنانکه در جدول شماره ۱ دیده می‌شود، این منابع همانند سرمایه‌هایی است که قسمت اعظم ثروت ملی را در کشورها تشکیل داده‌اند و رشد اقتصادی و نیز اجتماعی آنان را ممکن و مقدور ساخته‌اند.

در جدول شماره ۱، نکته اخیر خیلی خوب روشن شده است و ساختار ترکیب ثروت ملی در کشورهای پردرآمد و کم درآمد که صنایع صادراتی نوپایی دارند (غیر از سوخت) مقایسه شده است. اگر کشوری بخواهد از کشورهای گروه دوم به کشورهای گروه اول ارتقا یابد، با مدیریت صحیح منابع و سرمایه‌گذاریهای حاصل از اجاره بهای ذخایر طبیعی و نیز با انباشت متعادل میان منابع انسانی و داراییهای ساخته شده، این هدف ممکن می‌شود. با وجود این باز هم باید به خاطر داشت که داراییهای ساخته شده به عنوان جزئی از ثروت ملی ظاهراً هنوز هم بین کشورهای کم درآمد، پایین و یا ناچیز نیست.

#### منابع انسانی و سرمایه

نظر به اینکه در هر کشور منابع انسانی از جمله اقلام بسیار مهم ساختار ثروت ملی به شمار می‌آیند و چون رقم آنها را باید به صورت باقیمانده‌ای از ارقام دیگر بیرون کشید و استخراج کرد، از این رو مستند ساختن و قطعیت بخشیدن برآوردهای

## اینکه صرفاً پیشرفت مبتنی بر استحصال ذخایر هنگفت طبیعی همچنان بتواند به توسعه پایدار و عادلانه مدام منجر شود هیچ تخمین دقیقی نیست و شاید هم جای تردید باشد.

مربوط به آن بسیار مهم است. پیشفرض منطقی در این خصوص آن است که سرمایه انسانی، یعنی بازده آموزش و پرورش را باید همراه توضیح مقدار معتنابهی از انحرافات مشهود در ارزشهای منابع انسانی به کار بندیم. چنانچه نسبتهای سرانه برآورد شده منابع انسانی هر کشور در سال ۱۹۹۴ میلادی را به یک مقدار واقعی و موجود سرمایه انسانی - میانگین سرانه سالهای آموزشی به فرض سال ۱۹۹۲ مربوط کنیم، برای پیشفرض خود پشتوانه خواهیم یافت. به ویژه بازده فزاینده‌ای از انباشت سالهای آموزش و پرورش در جمعیت هر کشور مشهود خواهد شد.

بنابراین از یک چنین تحلیلی، پیام سیاسی مهمی به ذهن متبادر می‌شود و آن اینکه منابع انسانی را می‌توان به کمک سرمایه‌گذاری در امر آموزش عالی تقویت کرد و پدید آورد. این پیام بسیار مهمی است، چرا که سایر عناصر تشکیل دهنده منابع انسانی، مثلاً کارگران بی‌مهارت و حتی سرمایه اجتماعی به نظر نمی‌رسد در برابر هرگونه برخورد آگاهانه و با قصد به منظور برنامه‌ریزی عملی، حساسیت زیادی نشان دهند و تغییر سریع یابند. از آنجا که

نیروی کار بی‌مهارت اصولاً نوعی تلاش و کوشش فردی و شخصی است و بهای آن هم تابع شرایط و نوسانات هر بازار محلی است. لیکن سرمایه اجتماعی، نه به این شدت اما قطعاً با سیاستی نادرست و ناستنجدیه به نابودی و تباهی کشانده می‌شود و در عین حال هنوز هم می‌توان در جهت تقویت و حمایت از آن راه کارهای زیادی یافت و به کار گرفت.

#### جعبه ابزار حسابدار ثروت ملی<sup>۶</sup>

در سنجش ثروت ملی کشورها لزوماً به پاره‌ای تصمیمگیریهای جسارت‌آمیز نیاز است. از جمله و اولین آنها، انتخاب نرخ سود تنزیلی یعنی نرخ اجتماعی ۴ درصد در سال است که بانک جهانی در محاسبات خویش ضمن برنامه‌های نگاهی به پیشرفتهای پیرامون با عنوان ابعادی نو در سنجش ثروت به کار گرفته است و هر حسابدار ثروت ملی دیگری نیز باید به آن گردن نهد. به هر حال، اقلام تشکیل دهنده ثروت ملی مرکب از اجزا و عناصری به قرار زیر است.

**معادن و سوخت فسیلی** - ارزیابی این اقلام با در نظر گرفتن ارزش فعلی جریان ثابتی از ذخیره آنهاست. مثلاً قراردادهای استیجاری ویژه یا دقیقتر بگوییم، سود اقتصادی<sup>۷</sup> یعنی سود ناخالص پس از استخراج و استحصال منهای استهلاک داراییهای ساخته شده و بازده سرمایه تقسیم بر عمر مفید ثابت شده و یا متحمل ذخایر پیشگفته تعیین می‌شود.

**چوب** - ارزیابی این اقلام با در نظر گرفتن ارزش فعلی مال‌الاجاره جریانی هر چند نامعین اما در خور اثبات از این قبیل ذخایر است که در آن نرخ برداشت یا

## فقط با سیاستهای درست و مدبرانه است که می توان امید داشت کشوری از حالت ناپایدار فقر و کم درآمدی به وضع پایدار و درآمدزای پیشرفته تری نایل شود.

استحصال کمتر از ضریب رشد سالانه طبیعی است (میانگین فزونی سالیانه) و در جایی که استحصال چوب به طور ثابت ممکن نیست به دلیل استحصال بیشتر از حد فزونی سالانه ذخیره حیات<sup>۸</sup> محاسبه و منظور می شود و با ذخایر چوب به همان شیوه که با معادن رفتار می شود برخورد می شود.

منافع غیرچوبی - ارزیابی این اقلام به مقدار فرضی ۱۰ درصد مناطق زیر پوشش جنگل به صورت نامعین از استحصال مسانفعی غیر از چوب، مثل شکار، استراحتگاههای جنگلی، صنعت توریسم و امثال آن است. ارزش پولی این قبیل منافع در کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت از ۱۴۵ تا ۱۱۲ دلار در هر هکتار نوسان و تفاوت دارد.

اراضی زیرکشت - ارزیابی این اراضی چنان است که اجاره بهای نامعینی از دشتها و اراضی کشاورزی در نظر گرفته می شود، به گونه ای که بهره وری اراضی در هر ناحیه تا سال ۲۰۲۵ میلادی پیشبینی و برای پس از آن هم ثابت گرفته می شود. نرخهای انفرادی اجاره بهای اراضی محصولاتی چون برنج یا ذرت در قیمت جهانی ارزش تولیدات مذکور ضرب می شود تا ارزش یک واحد

اجاره بهای زمین به هکتار جهت زمینهای زیرکشت غله تعیین شود. برای سایر اراضی قابل کشت به میزان ۸۰ درصد ارزیابی پیشگفته استفاده می شود.

مراوع - مراوع به نحوی مشابه اراضی زیرکشت ارزیابی و برآورد می شوند و نرخ اجاره بهای زمین از ارزش فراورده هایی چون گوشت، شیر و پشم به نرخ جهانی محاسبه و استخراج می شود.

مناطق حمایت شده - این مناطق به هزینه یا بهای تمام شده فرصتهای از دست رفته ضرب در نرخ هر هکتار زمینهای مراوع ارزیابی می شوند. صید ماهی در این محاسبه منظور نیست، چرا که گهگاه به دلیل نبودن اطلاعات و گاهی به دلیل ضعف مدیریت سبب شده است وصول اجاره بهای ذخایر ماهی و سایر آبزیان در سطح جهانی به صفر نزدیک باشد.

دارایی ساخته شده - این اقلام با استفاده از روش دائمی موجودیها و به کمک اطلاعات مربوط به سرمایه گذاری در این قبیل اقلام و یا در نظر گرفتن جدول عمر مفید فرضی برای داراییها ارزیابی می شود. اراضی شهری نیز به عنوان جزء ثابتی از داراییهای ساخته شده ارزیابی می گردند.

منابع انسانی - ارزیابی منابع انسانی چنان است که به روش اندازه گیری باقیمانده تعیین می شود. ارزش ثروت ملی برگشتی از سرمایه و نیروی کار مصروف آن به بهای ارزش فعلی سنجدیده و اندازه گیری می شود، به ترتیبی که تولید ناخالص ملی تولیدات کشاورزی به علاوه دستمزد بخش کشاورزی منهای اجاره بهای معادن و کانیها و سوخت فسیلی و منهای استهلاك داراییهای ساخته شده تعلق می شود. دستمزد بخش کشاورزی شامل درآمد کارفرما منهای اجاره

بهای ذخایر تعیین شود و بخش کشاورزی شامل شکار، صید ماهی، و استحصال چوب نیز هست.

### جمع بندی و نتایج

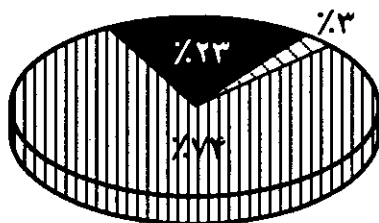
پیشرفتهای اندازه گیری ثروت ملی به مدل های توسعه ملی روشنی بیشتری می بخشد و هدایت کمکها و امکانات موسسات توسعه ملی و پیشرفت را جهت می دهد. چنین تحلیل نوینی از عناصر تشکیل دهنده و سرنوشت ساز پیشرفت و رشد آینده ثروت ملی برخی نتایج را به شرح زیر برای ما بازگو می کند.

زمینهای کشاورزی در تمام طبقه بندیهای درآمد و از جمله درآمدهای حاصل از منابع طبیعی بسیار مهم شمرده می شوند چرا که بیش از ۵۰ درصد از سرمایه طبیعی را در بیشتر کشورها به استثنای کشورهای نفتخیز خاورمیانه (بجز ایران - م) تشکیل می دهند. این موضوع به ویژه در کشورهای کم درآمد، یعنی جایی که اراضی زراعی ۸۰ درصد ثروت طبیعی آنها را تشکیل می دهد، صدق می کند. اما باز هم باید تاکید نمود ارزشهای کاربردی است که تعیین کننده شیوه های ارزیابی منابع طبیعی در چنین برآوردهایی است.

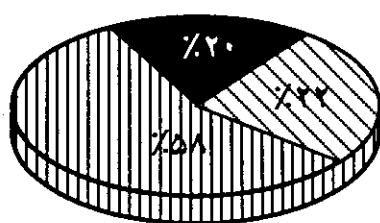
سرمایه طبیعی از نظر منطقه ای نیز دارای اهمیت است چرا که به طور مثال در مناطقی چون حوزه دریای کارائیب، جنوب

**چگونه کشوری کم درآمد و  
صادر کننده مواد خام  
می تواند خود را به کشوری  
پر درآمد مبدل سازد؟**

صادر کنندگان کم درآمد منابع طبیعی



کشورهای با اقتصاد پر درآمد



استنباط و سپس مطرح ساخت. چگونه کشوری کم درآمد و صادرکننده مواد خام می تواند خود را به کشوری پردرآمد مبدل سازد؟ البته هیچ تفسیر و توضیح سهل و ساده ای از سیاست و خط مشی که بتوان در این راستا دنبال کرد نمی توان ارائه داد، اما عناصری از این پرسش را در سرمایه گذاری مجدد مال الاجاره منابع طبیعی فناشدنی که به نحوی موثر و به صورت منابعی تجدیدپذیر مثل جنگل، صید ماهی و کشاورزی راه اندازی کرد و در داراییهای ساخته شده سرمایه گذاری نمود و افزودن سرمایه گذاری در سرمایه های بشری و انسانی، می توان پاسخ داد.

ثروت طبیعی می تواند عامل بسیار مهمی در توسعه وجوه مالی و سرمایه ای باشد اما اینکه صرفاً پیشرفت مبتنی بر استحصال ذخایر هنگفت طبیعی همچنان بتواند به توسعه پایدار و عادلانه مدام منجر شود هیچ تخمین دقیقی نیست و شاید هم جای تردید باشد. در عوض فقط با سیاستهای درست و مدبرانه است که می توان امید داشت کشوری از حالت ناپایدار فقر و کم درامدی به وضع پایدار و درآمدزای پیشرفته تری نایل شود و گام بردارد.

منبع:

Finance & Development/December 1996

- ۱- اقتصاددانان و فیلسوف نامدار اقتصاد کلاسیک، متولد ۱۷۲۳ میلادی، متوفی ۱۷۹۰ میلادی
- 2- Sustainable development
- 3- Bottom-up approach
- 4- Top-down approach
- 5- Human capital
- 6- The wealth accountat's toolkit
- 7- Economic profits
- 8- Reserve life

سالهای دهه ۱۹۷۰ میلادی آهنگ رشد کمتری نسبت به کشورهای هم سطح خویش داشته اند، در نتیجه فرایند تبدیل منابع ثروت به رشد درآمد بستگی تام به سیاست و خط مشی درست پیدا می کند - به ویژه موثر بودن سرمایه گذاریهای عمومی به صورت منابع وجوه مال الاجاره ها. سرآمد سرمایه گذاریهای با کیفیت عالی موجود نزد دولتها همین سرمایه گذاری در سرمایه های بشری و انسانی - اعم از بخش آموزش یا بهداشت است. باز هم باید تاکید شود که تحلیل ارائه شده از جمع ثروت ملی در اینجا به نحوه توزیع ثروت بین کشورها توجه نکرده و آن را نادیده گرفته است. بنابراین مسائل رویاروی کشورهای زیادی نه تنها شامل مدیریت صحیح منابع موجود ثروت ملی است، بلکه خط مشی و سیاستهای موثر بر توزیع آن نیز کسری داشته و آن را در بر می گیرد. اما این تجزیه و تحلیل جامع از جمع ثروت ملی اهمیت نقش مشارکت سرمایه اجتماعی را در توسعه اقتصادی مخفی و نادیده گرفته است، که خود به تنهایی نیازمند توجه و بررسی جداگانه ای است.

شاید پرسش کلیدی این تحلیل درباره دنبال کردن چه خط مشی و سیاست درست ملی را بتوان به کمک نمودار شماره ۱

و شرق آفریقا، شرق اروپا، مرکز آسیا و نیز در خاورمیانه، جنوب آسیا و غرب آفریقا بیش از ده درصد جمع ثروت ملی آنها را تشکیل می دهد.

منابع انسانی شامل بازده نیروی کارگران بی مهارت، از جمله عناصر اصلی در ثروت ملی است که در اکثر نواحی بین ۴۰ تا ۸۰ درصد را تشکیل می دهد. از جمله نتایج عملی چنین تحلیلی بازهم نکات بیشتری به این شرح آموزش می دهد.

با توجه به سهم نسبتاً زیادتر اراضی کشاورزی از سرمایه طبیعی در کشورهای کم درآمد، مدیریت صحیح زمینهای پیشگفته دارای اهمیت فوق العاده ای است. به عنوان یک پیامد دیگر باز هم باید افزود که سیاستهای موافق رشد درآمد روستایی نیز بسیار حیاتی و ضروری است.

وصول اجاره بهای اقتصادی معادن و کانیها و ذخایر نفتی و نیز سرمایه گذاری مجدد در آنها موضوع بسیار مهم و اساسی برای کشورهای با درآمد متوسط می باشد.

در پایان هیچ نوع تفسیر سهل و ساده ای برای بیان چگونگی تاثیر منابع طبیعی و ثروت ملی بر مراحل رشد و پیشرفت اقتصادی موجود نیست. اما برخی شواهد هست که نشان می دهد شماری از کشورهای بسیار متکی بر منابع طبیعی خود در